



## National Identity, the Persian Language, and Linguistic Imperialism

Mohammad-Hassan Moghisseh

PhD in Persian Language and Literature, Islamic Azad University, Arak, Iran.

Dr.mhm1344@gmail.com

 0000-0000-0000-0000

### Abstract

National language, customs and traditions, patterns of conduct, art, indigenous sports, moral virtues, historical monuments, geography and territory, and numerous other valued elements to which nations have become attached—living, rejoicing, and grieving with them—constitute national identity. Among the most foundational and essential components of this identity is the national language. Throughout its ancient history, the national language of the Iranian people has been Persian. Adversaries of the Iranian nation have consistently attempted to weaken national identity by degrading and undermining the Persian language. They have recognized that one of the most effective pathways to weakening Iranian national identity is to erode the vitality of its primary national driver—namely, the Persian language. This article defines the lexical and conceptual dimensions of identity, revisits the activities undertaken by adversaries to obstruct the growth of Iranian national identity and the Persian language, and reports on the solutions proposed by Ayatollah Khamenei to prevent the weakening of Persian, restore cultural excellence, and enhance the strength of national identity within the Islamic Republic of Iran. The study underscores that, in the face of adversarial obstruction, the Islamic Republic and the Iranian people have not remained passive; rather, through the vigilance, religiosity, and scholarly conduct of Ayatollah Khamenei, they safeguard both their material and spiritual assets. On this foundation, they remain hopeful of achieving scientific advancement and elevating the Persian language to the forefront of global scientific discourse within the next fifty years.

**Keywords:** National identity; Persian language; Linguistic imperialism; Ayatollah Khamenei.



مقاله پژوهشی**هویت ملی، زبان فارسی، امپریالیسم زبانی**

محمدحسن مقیسه

دکترای زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه آزاد اسلامی، اراک، ایران.

Dr.mhm1344@gmail.com

ID 0000-0000-0000-0000

چکیده:

زبان ملی، آداب و رسوم و سنت‌ها، رفتار و گفتار و کردار، هنر، ورزش‌های بومی، اخلاق و خلق‌وخوی نیک، آثار باستانی، جغرافیا و سرزمین و بسیاری از مؤلفه‌های ارزشمند دیگری که ملت‌ها بدانان خو گرفته، با آن‌ها زیسته و برایشان خنیدیده و گریسته‌اند، هویت ملی‌شان را شکل می‌دهد که از جمله موقوم‌ترین سازه‌های پایه‌ای و اساسی آن، زبان ملی است. زبان ملی مردم ایران در طول تاریخ کهن‌سالشان، زبان فارسی بوده است. دشمنان ملت ایران برای تضعیف هویت ملی، همواره کوشیده‌اند زبان ملی مردم ایران را تحقیر و تخریب کنند. آنان به نیکی دریافته‌اند که یکی از راه‌های غلبه بر هویت ملی ایرانیان، از توش و توان انداختن پیشران ملی ایشان، یعنی زبان فارسی است. در این مقاله ضمن تعریف لغوی و مفهوم هویت و بازتشریح فعالیت‌های دشمنان کشور برای جلوگیری از رشد هویت ملی ایرانیان و زبان فارسی، راه‌حلهایی که آیت‌الله خامنه‌ای برای جلوگیری از تضعیف زبان فارسی و بازیابی اعتلای فرهنگی و افزایش قدرت هویت ملی در ایران اسلامی ارائه فرموده‌اند، نیز گزارش شده تا خوانندگان بدانند و دریابند که در برابر سنگ‌اندازی دشمنان، نظام جمهوری اسلامی و مردم ایران، دست بسته نبوده و به‌واسطه هوشیاری، دیانت و رفتار دانشمندانه آیت‌الله خامنه‌ای، از تمامی داشته‌های مادی و معنوی خود به‌خوبی حراست می‌کند و با همین پشتوانه، امیدوار به فتح قلعه‌های علمی و نشاندن زبان فارسی بر قلعه‌های علمی در طی پنجاه سال آینده است.

**واژگان اصلی:** هویت ملی، زبان فارسی، امپریالیسم زبانی، آیت‌الله خامنه‌ای.

دسترسی به مقالات نشریه علمی مطالعات راهبردی انقلاب اسلامی (Open Access) است.

نشریه علمی «مطالعات راهبردی انقلاب اسلامی» تحت مجوز بین‌المللی Creative Commons Attribution 4.0 International CC BY 4.0



Doi: 10.22034/irsj.2025.503840.1105

مسئولیت مقاله از نظر محتوای علمی و نظرات مطرح‌شده در متن آن، به عهده نویسندگان و یا نویسنده مسئول مقاله می‌باشد و مورد تأیید / عدم تأیید صاحب امتیاز نشریه مطالعات راهبردی انقلاب اسلامی نمی‌باشد.

## مقدمه

قدرت‌های استعمارگر از دوران کهن تا استعمار نو، دریافته‌اند که برای رام و آرام کردن ملت‌ها، بهترین راه این است که هویت ملی‌شان را تضعیف، تخریب و تحریم کنند. هویت ملی، حاصل جمع همه ارزش‌ها در چشم یک ملت است. آداب و رسوم، آثار علمی و ادبی، رفتار و گفتار و کردار، سنت‌ها، هنر، ورزش‌های بومی، زبان ملی، آثار باستانی، سرزمین و بسیاری از مؤلفه‌های ارزشمند دیگری که ملت‌ها بدانان می‌بالند و با آن‌ها زیسته‌اند، هویت ملی را شکل می‌دهند. از میان تمام این مؤلفه‌ها که چون سازه‌های ساختمان هویت هستند، طبیعی است که برخی از آن‌ها در حکم پایه‌های ساختمانی و ستون خیمه هویت باشند. زبان ملی و آثار آن در همین حکم قرار می‌گیرند.

زبان فارسی در کشور کهن‌سال ایران از دیرباز در معرض انواع طوفان‌های سهمگین فرهنگی و زبان‌های مختلف قرار گرفته، اما در سده‌های اخیر و به‌ویژه از دوران حکومت پهلوی که ارزش وحدت‌آفرینی و مایه‌های غنای ادبی آن بیشتر شناخته شد، خطرهای افزون‌تری را به جان خریده است که اگر دشمنان ملت ایران بتوانند این آجر را از رج دیوار مقاوم جامعه ایرانی بیرون بکشند، فروپاشی سد وحدت‌بخش ملت و دولت سریع‌تر فراهم خواهد شد.

آیت‌الله خامنه‌ای که خود حکیم و اندیشه‌ورز و انسانی به تمام معنا، فرهنگی و معنوی است، با درک عمیق و عریق از مایه‌های هویتی ملت ایران، بدون آنکه بین هویت ایرانی و هویت اسلامی تضاد و تفرقی ببیند، تمام‌قد از پویایی، پاسداشت، گسترش و تلاش برای علمی کردن زبان فارسی دفاع کرده‌اند و زبان فارسی را از ارکان هویت ملی مردم و در پیوند با استقلال ملی نظام جمهوری اسلامی ایران می‌دانند.

این مقاله در سه بخش تدوین شده است. ابتدا هویت از نگره واژه‌شناسی و مفهوم‌شناسی معرفی شده، سپس در زمینه‌ای گسترده‌تر درباره‌ی چهار عنصر اساسی هویت بحث شده است. آن چهار عنصر عبارت‌اند از: هویت، حاصل جمع فرهنگ و تمدن؛ هویت و شناخت؛ دین، مهم‌ترین عنصر هویت ایرانیان؛ و خیر مطلق، برجسته‌ترین ثمره هویت‌مداری ایرانیان.

بخش دوم به زبان فارسی اختصاص یافته است. اهمیت زبان فارسی در کشور ایران و نقشی که در وحدت‌افزایی بین تمام گروه‌های زبانی و اقوام مختلف داشته و دارد و اینکه این زبان، زبان ملی مردم ایران است و نه زبان رسمی ایرانیان، در این بخش واکاوی شده است.

امپریالیسم زبانی، سومین و آخرین بخش این مقاله است. در این بخش گزارش شده که همه آنچه که در بخش‌های اول و دوم از هویت ملی و زبان فارسی گفته شد، یک دشمن خطرناک دارد به نام امپریالیسم زبانی که می‌خواهد با موضوع «جهانی‌سازی»، همه اقوام و هویت اصیل آن‌ها را بدرَد و تنها یک زبان، یعنی زبان انگلیسی را بر دنیا حاکم کند.

### ریشه‌یابی و معانی چندگانه واژه هویت

هویت در لغت و از نگاه ریشه‌جویی،<sup>۱</sup> از زبان عربی است؛ ریشه آن، «هُوَّ» و جمعش «هوايا» است. این واژه در زبان عربی همواره به صورت‌های «الهُويَّة، هُويَّة» نوشته، خوانده و شنیده می‌شود، اما به هنگام راه‌یابی به زبان فارسی، طبق روش دگرگونی زبانی، «ه» به «ت» تبدیل شده و به شکل «هویت» (با تشدید «ی») نگاشته، شنیده، دیده و خوانده می‌گردد.

لغت‌شناسان کلمه هویت را در لغتنامه‌های مختلف فارسی، انگلیسی به فارسی، فارسی به فارسی،<sup>۲</sup> با واژگانی همچون: «ذات، ماهیت، هم‌جوهری، تشابه و تداوم،<sup>۳</sup> کیستی یا چیستی»<sup>۴</sup> و همانندهایی دیگر معنی کرده‌اند.

<sup>۱</sup> etymology.

<sup>۲</sup> نگاه کنید به فرهنگ‌های «لاروس، فرهنگ معاصر عربی - فارسی، فرهنگ پارسی، فرهنگ دانشگاهی انگلیسی - فارسی، لغتنامه دهخدا، فرهنگ سخن»، ذیل واژه «هویت».

<sup>۳</sup> «واژه‌نامه اندیشه اجتماعی بلاکول می‌نویسد: «هویت مشتق از ریشه لاتین Idem است به معنای تشابه و تداوم»؛ یعنی هم در آن اشتراک وجود دارد و هم استمرار و پایایی. به عبارتی، آنچه در طول تاریخ ثابت و مشترک مانده و تحوّل و دگرگونی تاریخی روی آن اثر نگذاشته است. به لحاظ عَرَضی نیز می‌تواند به معنای وحدت (تشابه) در عین کثرت باشد» (افروغ، ۱۳۸۰: ۲۲).

<sup>۴</sup> در فرهنگ آکسفورد و در ذیل واژه «Identity» به معنی «هویت» آمده است: «Who or what ...».

## هویت در گستره معنا و مفهوم

هنگامی که هویت را از نگره مفاهیم بررسی می‌کنیم، با گزاره‌های متفاوتی روبه‌رو می‌شویم و در این قسمت درمی‌یابیم هر اندیشه‌ورزی از زاویه دید خود به شناساندن هویت پرداخته و روند تاریخی، آثار، مزایا و معایب، روابط بین هویت و سایر مؤلفه‌های سیاسی و اجتماعی و فرهنگی و ... را متناسب با اهداف مورد نظری که در ذهن داشته، برشکافته است.

لغتنامه دهخدا در خصوص مفهوم هویت، بر مشخصه شخصیت فردی و جمعی نظر داشته: «به عواملی گفته می‌شود که نشانگر شخصیت کسی یا مردمی است»؛ اما فرهنگ معین آن را «آنچه که موجب شناسایی شخص باشد» معرفی کرده، در حالی که فرهنگ سخن بر این تعریف متمرکز شده: «مجموعه ویژگی‌ها به‌ویژه ویژگی‌های شخصیتی و فرهنگی فرد که او را از دیگران متمایز می‌کند»<sup>۱</sup>.

نویسنده کتاب «هویت ایرانی و حقوق فرهنگی» نیز تعریفی مشابه تعاریف سه‌گانه بالا برای هویت برشمرده: «هویت عبارت است از عناصری که باعث شناسایی و امتیاز جامعه‌ای از جامعه دیگر می‌شود و یا می‌توان گفت هویت، یعنی آنچه مایه شناسایی «من» از دیگری است» (افروغ، ۱۳۸۰: ۴۴).

همین تعاریف چندگانه نشان می‌دهد که بازنمایی مفهوم هویت تا چه اندازه می‌تواند دارای شاخه و برگ‌های فراوان باشد؛ بنابراین برای جلوگیری از درازدامن شدن سخن، نویسنده ترجیح می‌دهد که بدین توصیف بسنده کند: «هویت، برآیند مجموعه‌ای از بینش‌ها، گرایش‌ها، اعمال و صفات آدمی است و حاصل تلاش، توفیق شخصی و متأثر از شرایط اجتماعی می‌باشد؛ به‌گونه‌ای که شبکه معنایی هویت بر رفتارهای فردی و جمعی تأثیر می‌گذارد» (رهبر، ۱۴۰۲: ۱۸۶).

<sup>۱</sup> نگاه کنید به لغتنامه دهخدا، فرهنگ معین، فرهنگ سخن، ذیل «هویت».

## چهار عنصر مهم در مبحث هویت

### ۱. هویت؛ حاصل جمع فرهنگ، تمدن و سنت

همه ارزش‌هایی که یک فرد در زندگی خویش و یک جامعه در طول حیات سیاسی و اجتماعی خود بدان‌ها خو گرفته و آن‌ها را نمایانده، از فرهنگ، سنت، تمدن، آداب و اخلاق، تاریخ، هنر، زبان ملی، کردار و گفتار، هویت جمعی و فردی یک ملت را شکل می‌دهند (بقایی، ۱۳۹۴: ۲۰ و ۲۱).<sup>۱</sup> از همین روست که آیت‌الله خامنه‌ای در این خصوص می‌فرماید:

«فرهنگ، هویت یک ملت است. ارزش‌های فرهنگی روح و معنای حقیقی یک ملت است. همه چیز مترتب بر فرهنگ است (خامنه‌ای، بیانات: ۱۳۹۲/۹/۱۹). هویت حقیقی جامعه، هویت اخلاقی آن‌هاست؛ یعنی در واقع سازه اصلی برای یک اجتماع، شاکله اخلاقی آن جامعه است و همه چیز بر محور آن شکل می‌گیرد» (خامنه‌ای، بیانات: ۱۳۸۳/۹/۱۱).

### ۲. هویت و شناخت

عالی‌ترین نتیجه‌ای که می‌بایست از فرایند کنکاشگری در حوزه هویت پژوهی به دست آورد، عبارت است از شناخت. شناخت خود و جامعه. تا ندانیم که چه استعدادهایی و به‌ویژه چه تاریخ و ارزش‌هایی داریم، نمی‌توانیم نه بر وضعیت فعلی خود چیره شده و گزارش بایسته‌ای از آن به دست دهیم و نه به تبیین نقش خود در آینده زندگی فرهنگی و اجتماعی مان پردازیم. محمد اقبال لاهوری تصویر بسیار روشنی از این شناخت به ما داده است. او که مسلمان مصلح، فیلسوف و سیاستمدار برجسته‌ای است، در یک بیت حکیمانه که در دفتر شعر «پیام مشرق» آورده، به‌خوبی نشان می‌دهد که به‌عنوان یک انسان مسلمان، هم به گذشته (دوش) می‌نگرد و از آن درس می‌گیرد، هم نگاهش به عبرت‌گیری از زمانه حاضر است و هم با چنگ زدن به روش (آئین) تازه، خودش را برای فداکاری در آینده آماده کرده است:

<sup>۱</sup> «بدون سنت نمی‌شود هویت ایرانی داشت. سنت ریشه درخت تناور فرهنگ و هویت ایرانی است ... پشت کردن به سنت، حذف سنت یا سنت‌شکنی ... یعنی حذف هویت فردی و جمعی».

دلم به دوش و نگاهم به عبرت امروز شهید جلوه فردا و تازه آئینم (اقبال لاهوری، ۱۳۸۸: ۱۶۹).

و گویی از همین روست که ویلیام هانوی، ایران‌شناس غربی، نیز بدین نتیجه رسیده که برای پیمایش صحیح راه آینده، بایستی به شناخت تاریخی دست یافت؛ آنجا که می‌گوید: «ما تا ندانیم که بوده‌ایم، نمی‌توانیم بدانیم که هستیم؛ یعنی شناخت هستی ما در گرو شناخت تاریخی ماست و تا ندانیم که چگونه به جایی که هستیم رسیده‌ایم، نمی‌توانیم بدانیم که به کجا می‌رویم. این، سخن پرمعنا و پرمغزی است. ما هر کجا که می‌خواهیم برویم، چه در قالب توسعه اقتصادی، توسعه سیاسی یا توسعه فرهنگی، اول باید ببینیم که در تاریخ چه بوده‌ایم. چگونه به اینجایی که الآن هستیم، رسیده‌ایم؟ این گذشته را باید خوب شناخت» (فروغ، ۱۳۸۰: ۲۲).

### ۳. دین؛ مهم‌ترین عنصر هویت ایرانیان

خدا و دین، از جمله بزرگ‌ترین دغدغه‌های فکری بشر در طول تاریخ بوده است. «او همه آرزوها، برترین هدف و نهایت تقدس را در مفهوم «خدا» خلاصه کرده است. بشر از زمانی که بوده، به این معشوق که پیوسته با او به گفتگوست ولی چهره واقعی خود را از وی نهان می‌دارد، می‌اندیشیده و تا زمانی که هست، خواهد اندیشید». (هنری بمفورد، ۱۳۹۱: ۳) و پس از خدا، انسان به دین می‌اندیشد که رابطه او را با خدا پیوسته برقرار بدارد.

ایرانیان، هم در خداشناسی و هم در دین‌جویی و دین‌خواهی نخستین مردمانی هستند که پرچم وحدانیت و یگانه‌پرستی را با افتخار بر بلندای تپه‌ای که چیزی جز شرک و بت‌پرستی در آنجا خودنمایی نمی‌کرده، برافراشته‌اند (مقیسه، ۱۳۹۶: ۷۶). در حالی که هر قوم، بت و رب‌النوع خاصی داشتند که حامی شهر و دیارشان بوده و یا خدای آفتاب و باران و ستاره‌شان، مفهوم کامل خدایی که مردم جهان و شادی و نیکی و انواع نعمت‌ها را آفریده باشد و از سنگ و آهن و چوب نباشد و در جسم ننگند و احتیاجی به خوراک و پوشاک نداشته باشد، از تفکر و اندیشه ایرانیان بود که رواج یافت (نیر نوری، ۱۳۷۹: ۲۱۷).

نقطه برجسته در دین‌داری ایرانیان این است که تدین ایشان هیچ‌گاه با هویت ملی‌شان در تضاد نبوده است؛ «ما اصولاً نمی‌توانیم صحبت از دو هویت بکنیم و بگوییم هویت ملی در مقابل هویت دینی. اگر قرار باشد تقدّمی وجود داشته باشد، این هویت دینی است که تقدّم دارد. اما به هر حال بین دیانت و هویت دینی و هویت ملی ما هیچ تعارضی وجود ندارد. عنصر اساسی هویت ایرانی ما، دین‌داری بوده که این هویت خودش را در هویت ملی هم بازتولید کرده است» (افروغ، ۱۳۸۰: ۳۸).

با ژرف‌نگری کوتاهی در دیدگاه‌های آیت‌الله خامنه‌ای، به همین نتیجه می‌رسیم که ایشان نیز هویت دینی و هویت ملی را دو مقوله جدا از هم نمی‌دانند. حضرت‌شان ابتدا و در گام اوّل، تعریف کوتاهی از هویت ملی ارائه می‌دهند:

«هویت ملی هر ملت، مجموعه فرهنگ‌ها و باورها و خواست‌ها و آرزوها و رفتارهای اوست» (خامنه‌ای، بیانات: ۱۳۸۵/۸/۱۸)، سپس در گام دوم، از یگانگی و این‌همانی هویت ملی و دینی می‌گویند:

«یک ملت مذهبی، یک ملت موحد، یک ملت مؤمن و یک ملت معتقد به پاکان درگاه الهی و اهل‌بیت است؛ این جزو فرهنگ و هویت‌شان است؛ هویت ملی که می‌گوییم، شامل همه این‌ها هست» (همان). آنگاه در گام سوم و آخر، از دین می‌گویند؛ همان داری شفاف‌بخشی که اگر انسان از آن‌گریزان باشد، می‌شود بی‌هویت که نمونه‌های فراوان آن را، امروزه می‌توان به عینه در جهان جنگلی غرب دید؛ انسان‌هایی که در اوج مدنیت مدرنیته، دارای فقر معنوی هستند.

«ملت‌ها بر اثر انقطاع از دین و معنویت و از خدا، پوک می‌شوند» (خامنه‌ای، بیانات: ۱۳۹۱/۳/۳). انسان بی‌خشوع، انسان منقطع از خدا و انسان بی‌معنویت، همین انسان بی‌هویتی می‌شود که امروز شما در اروپا و آمریکا دارید مشاهده می‌کنید؛ همه چیز دارند بجز عدالت و آسایش و انسانیت و احترام به حقوق انسان‌ها؛ یعنی مدنیت جنگلی» (خامنه‌ای، بیانات: ۱۳۸۴/۳/۵).

#### ۴. خیر مطلق؛ برجسته‌ترین ثمره هویت‌مداری ایرانیان

مردم ایران در طول تاریخ زندگی پر فراز و نشیب خود نشان داده‌اند که از عمق وجود به تمامی مؤلفه‌های هویت ملی - اسلامی سرزمین‌شان پایبندی کامل دارند و با همه توان از آن دفاع کرده و نیز برای بهره‌وری، گسترش و انتقال یافته‌های هویتی‌شان به نسل‌های بعد، از هیچ کوشش بایسته‌ای دریغ نکرده‌اند. ایرانیان ضمن آنکه در طول تاریخ هیچ‌گاه از داد و ستد با دیگر فرهنگ‌ها باز نمانده‌اند (ستاری، ۱۳۸۰: ۱۱۲)، هوشمندان و متناسب با موقعیت‌ها و شرایط مختلف، از گنجینه هویت ملی - اسلامی‌شان ناب‌ترین بهره‌ها را برده‌اند، به گونه‌ای که مردم سرزمین‌های دیگر هنگامی که در موقعیتی مشابه با موقعیت مردم ایران قرار گرفته‌اند، کاملاً درمانده شده و بدترین عملکرد را داشته‌اند.

مهم‌ترین نمونه‌ای که تاریخ از همت نژاد ایرانی در پاسداشت از فرهنگ و هویت خود به یاد دارد و به ما نشان می‌دهد، بازبسته است به هنگام فتح ایران به دست مسلمانان. جالب این است که ایرانیان با آغوش باز از اسلام استقبال کردند، ولی در مقابل دگرگونی زبان خود به عربی کوتاه نیامدند! به عبارت دیگر، ایرانی‌ها مسلمان شدند، اما عرب‌زبان نشدند.

«ایران از نادرترین کشورهایی است که بعد از حمله اعراب، زبان خود را حفظ می‌کند و اکثر کشورهایی که مورد حمله و هجوم قرار می‌گیرند، ادبیات و زبان‌شان نیز کاملاً تحت سیطره زبان و ادبیات عرب قرار می‌گیرد. خط ایرانیان به عربی تبدیل شد، اما زبان آن‌ها فارسی باقی ماند. آن‌ها نماد کلامی خود را که از زبان فارسی بود، از طریق فرهنگ و ادبیات خویش حفظ کردند» (افروغ، ۱۳۸۰: ۳۷).

آیت‌الله خامنه‌ای نیز بر این نکته که زبان فارسی پس از ورود مسلمانان به ایران مصون از تغییر بوده، پای فشرده‌اند و با ابزار شگفتی از این واقعه یاد کرده‌اند:

«ایرانی، اسلام را از بُن دندان قبول کرد... عرب‌های مسلمان، هر جا رفته‌اند، زبان [آن کشور] عوض شده است؛ مصر زبان‌ش عوض شد، فلسطین زبان‌ش عوض شد، شامات زبان‌ش عوض شد، زبان‌شان عوض شد [اما] ایران زبان‌ش عوض نشد، فارسی باقی ماند؛

یعنی یک چیز عجیبی است در ایران؛ این خصوصیتی است که مال کشور ماست» (خامنه‌ای، بیانات: ۱۳۹۴/۸/۲۰).

### ثبات قدم ایرانیان در پابندی به هویتشان

پابندی و پاسداشت ایرانیان برای گرامیداشت و رواج زبان فارسی، تنها در آغاز ورود سپاه اسلام به ایران و سده‌های پس از آن ادامه نداشت، بلکه در طی حکومت‌های خاندان غزنوی، سلجوقی و خوارزمشاهیان در سده‌های پسین نیز ادامه یافت. این سه خاندان ترک‌تبار که از مناطق شمالی ایران و اطراف ماوراءالنهر برخاسته و به ایران سرازیر شده بودند، هر چند حدود پانصد سال بر کشورمان حکومت راندند، اما نه تنها نتوانستند فرهنگ و هنر و آداب و هویت ایرانیان و به‌ویژه زبان فارسی را از بین ببرند، بلکه خود و خاندانشان خوی و خُلق ایرانی به خود گرفتند و حتی خاندانی چون سلجوقیان با گسترش حکومتشان به منطقه آناتولی، به ایجاد زیرساخت و توسعه زبان فارسی به مناطق غربی و بیرون از مرزهای ایران کمک شایان توجهی کردند؛ به‌گونه‌ای که آیت‌الله خامنه‌ای در این خصوص می‌فرماید:

«همه کسانی که به ایران تهاجم کردند به یک نحوی، در ایران بعد از مدتی حل شدند: زبانشان، آدابشان، فرهنگشان... (همان) [به‌عنوان نمونه] ترک‌های سلجوقی که رفتند در آسیای صغیر آن حکومت چند قرنی را تشکیل دادند، یک روزی محور و مرکز عالم اسلام بودند، در عین حال زبان اداری‌شان زبان فارسی، زبان علمی‌شان زبان فارسی، زبان دینی - شان زبان فارسی [بود]» (خامنه‌ای، بیانات: ۱۳۶۷/۳/۲۵).

همین پایداری ایرانیان بر سر پیمان برای حفظ هویت خویش، در دوران سیطره مغول‌ها، تیموریان و حکومت ایلخانان مغول نیز ادامه یافت، به‌گونه‌ای که برخی از ایشان با آنکه به خوی و خُلق غارت و وحشی‌گری تربیت یافته بودند، پس از چندین دهه مرآمده با ایرانیان و مسلمانان، به آئین مسلمانی درآمده و نام‌های اسلامی بر خود گذاشتند؛ همچون «اولجایتو» که نام «سلطان محمد خدابنده» را برای خود برگزیدند. یا حتی بانی ساخت بناهای باشکوهی چون مسجد گوهرشاد در ایران و تاج‌محل در هند شدند (مسجد گوهرشاد به مدیریت «گوهرشاد‌آغا» همسر شاه‌رخ، فرزند چهارم تیمور؛ و ساختمان

باشکوه تاج‌محل در شهر آگرای هند به دستور «شاه جهان» که از نوادگان ظهیرالدین محمد بابر، بنیان‌گذار امپراتوری گورکانی مغول در هند است، ساخته شد) (نراقی، ۱۳۸۵: ۹۴ تا ۱۰۰).

در دوره‌های صفویه، افشاریه و... تا طلوع خورشید انقلاب اسلامی، همین پایبندی مردم ایران‌زمین به حفظ هویت ملی - اسلامی‌شان به شکل‌ها و روش‌های گوناگون نشان داده شده است. نتیجه‌ای که از این نوشتار به دست می‌آید، این است که «در مورد فرهنگ ایرانی، به گمانم می‌توان گفت که خصیصه اصلی یا هویتش که در طول هزاره‌ها ثابت مانده، حفظ و صیانت جوهرش و به تحلیل بردن عنصر بیگانه بوده است. به بیان دیگر، ذات فرهنگ ایرانی به خواری و زبونی تن در نداده است؛ یا سیطره بیگانه (عرب و ترکان سلجوقی و مغول) را به ظاهر پذیرفته است و سپس اندک اندک آن را از درون خورده و تراشیده است» (ستاری، ۱۳۸۰: ۱۱۰) و یا اقوام مهاجم را چنان شیفته آئین و آداب خودساخته که از خدمتگزاران فرهنگ و هنر و تمدن ایرانی - اسلامی شده‌اند.

با ظهور انقلاب اسلامی، بار دیگر این مایه روح و روان ایرانیان، به برنایی از اعمال و گفتار مردم برآمد که نمونه‌های آن، تمام‌قد در جنگ تحمیلی هشت ساله حزب بعث عراق علیه ایران اسلامی تجلی کرد.

آیت‌الله خامنه‌ای درباره بروز هویت ایران اسلامی از رهگذر دفاع در جنگی که استکبار به پرچمداری حزب بعث عراق راه انداخت، به خوبی به این نکته اشاره کرده‌اند:

«ما یک کشور بزرگ، یک ملت هفتاد و چند میلیونی<sup>۱</sup>، دارای سابقه فرهنگی و تاریخی عمیق و اصیل بیش از بسیاری از نقاط عالم، دارای شجاعت، دارای عزم، ملتی که از هویت خود و از شخصیت خود دفاع می‌کند [هستیم]؛ یک نمونه‌اش در هشت سال دفاع مقدس ظاهر شد (خامنه‌ای، بیانات: ۱۳۹۴/۲/۱۶). وقتی جنگ تحمیلی شروع شد، مردم ما مشغول کارهایشان بودند. تا احساس تهدید شد، جوان از دانشگاه، از بازار، از کارخانه، از روستا، از شهر، از داخل زندگی‌های راحت، بیرون آمد و به استقبال خطر رفت، برای دفاع از هویت خود (خامنه‌ای، بیانات: ۱۳۸۵/۱۱/۲۸). آن روز هم مردان ما، زنان ما، قومیت‌های

<sup>۱</sup> در دهه ۹۰، این جمعیت به شمارگان ۹۰ میلیون رسیده است.

مختلف ما - عرب ما، فارس ما، ترک ما، کُرد ما، لُر ما، بلوچ ما - در سرتاسر کشور روی دفاع از شرف و هویت و استقلال کشور و مقابله با استکبار و ایادی او در داخل متمرکز شدند و در این راه توفیق به دست آوردند (خامنه‌ای، بیانات: ۱۳۸۲/۵/۸). [بدین ترتیب] آن هشت سال - هشت سال دفاع مقدّس - تضمین‌کننده حیثیت کشور و هویت ملت و امنیت فعلی و عزت ملت ایران شد» (خامنه‌ای، بیانات: ۱۳۹۶/۱۲/۱۹).

در این بخش با مرور بسیار گذرا در تاریخ ایران، دریافتیم که با توجه به پابندی مردم ایران به حفظ فرهنگ و هویت اصیل خویش، ایرانیان نه تنها هیچ‌گاه و در هیچ بُرهه‌ای، حتّی لحظه‌های سخت و خطرناک، عزت و اعتبار و ارزش والای خود را از دست نداده‌اند، بلکه با تمرکز و ایستایی بر هسته‌ی مرکزی تمدن و مدنیت و اصالت و هویت خویش، توانسته‌اند بر دشمنان عنود نیز فایق آمده و ایشان را به خدمتگزاران عرصه فرهنگ و هنر و ادب خود مبدّل سازند.

### زبان فارسی؛ رکن هویت ملی

هویت ملی متشکل از اجزای ریز و درشت فرهنگی، هنری، ادبی، سرزمینی و... هر کشوری است. بدیهی است که هر یک از این پدیده‌ها، جزئی مستقل، اما در پیوند با دیگر اجزاء هستند و دنیایی از دانش‌ها را در خود دارند و وظیفه دفاع از آن‌ها در برابر ضعف‌های داخلی و نیز پاسداشت خاطر خطیرشان از خطر چنگ‌اندازی دشمنان خارجی، در پایه نُخست بر عهده عموم مردم و در پله دوم بر دوش فرهیختگانی است که در رشته‌های گوناگون علمی، به پژوهش و نگارش دست می‌یازند.

### دو نکته حسّاس درباره زبان فارسی

#### ۱. فارسی؛ زبان ملی، نه رسمی

زبان فارسی، زبان ملی مردم ایران است، اما بین ملی و رسمی، تفاوت از زمین تا آسمان است. گاه می‌بینیم و می‌شنویم که زبان فارسی را زبان رسمی مردم ایران معرفی می‌کنند (که گویی نه به سهو و خطای ناخواسته که به قصد و آدای خواسته به کار می‌رود!) در توضیح باید نوشت که هر آنچه که امروز رسمی است، می‌تواند فردا غیررسمی شود؛ یعنی

پدیده و رویدادی که گاه در صدر می‌تواند باشد و گاه در ذیل پذیرفته یا پذیرفته نشدن هر پدیده رسمی و غیررسمی به عوامل چندگانه‌ای از جمله خوشامد یا بدآمد جامعه و پیگیری یا عدم پایبندی دستگاه‌های اجرایی به روایی یا ناروایی آن‌ها وابسته است. از این دست پدیده‌ها یا رفتارهای فردی و جمعی که در گذشته بین مردم معمول بوده و الآن اعتباری ندارد، می‌توان به مراسم متعددی در عروسی‌ها و مراسم عزاداری‌ها برای اموات اشاره کرد که امروزه یک یا چند از ده‌ها رسم آن‌ها به جای مانده است. زبان از این نوع پدیده‌ها نیست که گاه پیدا و گاه پنهان باشد. هسته مرکزی آن ثابت و پابرجاست، مانند خودِ هویت ملی؛ اگرچه ممکن است در فروعش زاینده‌گی و زائده‌گی باشد که هست؛ گاه برخی از اجزایش فراموش شوند و گاه برخی از اجزای فراموش شده‌اش دوباره زینت-آرای مجالس شوند. این هست، اما از دست و دهان و ذهن و زبان و تفکر جامعه نمی‌افتد و نباید بیفتد، چرا؟ چون ملی است و نه رسمی.

زبان فارسی، زبان ملی مردم ایران است. این زبان متعلق به قشر، قوم و منطقه خاصی از کشور نیست. ممکن است هر یک از اقوام و قبایل مختلف در سرزمین پهناور ایران و در منطقه جغرافیایی خاص یا در میان طایفه خود، به زبان خودشان صحبت کنند، اما وقتی بخواهند همه مردم ایران حرفشان را بفهمند، به زبانی سخنی می‌گویند که با آن زبان، تفهیم و تفاهم در سطح کشور انجام می‌شود؛ و آن زبان، زبان فارسی است.<sup>۱</sup> آنان که این نکته ظریف را دریافته‌اند، تعصب را کنار گذاشته‌اند و سال‌هاست که ضمن پایبندی به زبان قومی خویش، از جمله وفادارترین انسان‌های فهیم به زبان فارسی هستند. آیت‌الله خامنه‌ای با انگشت نهی بر این نقطه ناخوانا و دقیق، ذهن مخاطب عام و خاص خود را بدین سو کشانده که زبان فارسی، زبان ملی است:

«ما در کشور زبان‌های مختلفی داریم، اما زبان ملی، فارسی است. آن کسانی که زبان‌های مختلف دارند، خودشان جزو مروجین درجه یک زبان فارسی هستند. بهترین مقالات را در زمینه زبان فارسی، ترک‌زبان‌ها نوشتند؛ این را من از روی اطلاع دارم عرض می‌کنم ... محققین برجسته ترک‌زبان کشور، در طول دهه‌های گذشته، بهترین و قوی‌ترین مقالات

<sup>۱</sup> از این رهگذر، کارکرد اجتماعی و سیاسی زبان فارسی که «ایجاد پیوند و وحدت بین اقوام ایرانی» است، نمایان می‌گردد.

را در زمینه زبان فارسی نوشتند؛ بنابراین، نباید تصور شود که زبان فارسی نماد ملیت ایران نیست؛ چرا، هست. روی این موضوع تکیه شود» (خامنه‌ای، بیانات: ۱۳۷۰/۹/۱۸).

## ۲. زبان فارسی؛ یکی از دو رکن هویت ملی

نکته دوم، نکته‌ای است که در ابتدای این بخش به کوتاهی توضیحش آمد و آن اینکه، زبان در چرخه دایره هویت، یکی از ده‌ها جزء است، اما در خصوص زبان فارسی به دلیل اینکه «زبان فارسی، زبان ملی مردم ایران زمین و میراث فرهنگ و تمدن مکتوب هزارساله ایشان است که در روزگاران تاریخی خویش در پهنایی بس فراخ از سمرقند تا بغداد و از قسطنطنیه تا شبه‌قاره و چین و از جنوب خلیج فارس تا آن سوی آمودریا و از این سو تا شبه‌جزیره بالکان حضور داشته و توانسته ده‌ها و صدها شاعر و نویسنده و مورخ و جغرافی‌دان و عارف و پزشک و فیلسوف و ریاضی‌دان و مهندس و دانشمندان پرشمار از تمامی علوم دیگر را بر دامان پرمهر خویش بپراند تا ایران کهن و امروزین دنیایی از معرفت و حکمت و دانش و معنویت را به جامعه بشری هدیه کند و این مرز پرگهر به سرزمین تفکر و تدین و بلاغت و هنر و علم شهره گردد» (مقیسه، ۱۴۰۱: ۲۶ و ۲۷)، و نیز به دلایل: توانمندی‌ها، پیشینه بسیار کهن و آثار ادبی عمیق و عریق همچون شاهنامه فردوسی و مثنوی معنوی مولوی و دیوان‌های ارزشمند شاعران بزرگ و بی‌نظیری چون رودکی و سنایی و عطار و سعدی و حافظ و ... و نیز به دلیل میراث عظیمی که زبان فارسی به برکت همین شاعران و نویسندگان نامی و معتبر در طول تاریخ برگرده ستر خود درکشیده، در اکنون روز و زمانه حاضر زبان فارسی چنان جایگاه و هیمنه‌اش سترگ شده که اکنون برخی از صاحب‌نظران و از جمله آیت‌الله خامنه‌ای، خود زبان فارسی را یک رکن رکین و مستقل برای هویت ملی ایران معرفی می‌کنند؛ به‌گونه‌ای که در حق زبان فارسی نوشته‌اند: «آقای دکتر حداد عادل، رئیس فرهنگستان زبان و ادب فارسی، بر این باورند که از نگاه رهبر انقلاب اسلامی، هویت ملی ما را دو رکن مهم تشکیل می‌دهد: یکی، دین اسلام؛ و دیگری، زبان فارسی» (مقیسه، ۱۴۰۱: ۳۱).

بدین ترتیب، زبان فارسی، یکی از معدودترین زبان‌های کهن بشری است که بزرگ‌ترین و مؤثرترین شاعران و نویسندگان کلاسیک و نیز بهترین آثار پرمغز و فاخر را برای

جامعه ایرانی و جهانی به وجود آورده و هم‌اکنون در ایران اسلامی و با تأکید عالی‌ترین مسئول و مقام معنوی‌اش یکی از ارکان مهم هویتی ملت ایران به شمار می‌آید.

### امپریالیسم زبانی

اصطلاح «امپریالیسم زبانی» را به نئومارکسیست‌ها نسبت می‌دهند؛ «آن‌ها بر این باورند که تسلط زبان انگلیسی بر جهان، به‌نوعی استعمار فرهنگی است».<sup>۱</sup>

خواست قدرت‌های بزرگ از دیرباز، تحقیر، تضعیف و تغییر زبان‌های ملی، مادری و بومی همه کشورها به‌ویژه کشورهای زیر سلطه‌شان بوده است، اما در روزگار فناوریانه امروز که سرعت و دقت از خصلت‌های آن است و در ذیل برنامه جهانی‌سازی، اکنون گام بلندتری برای آن برداشته‌اند، این است که ابتدا تمام زبان‌های زنده و دارای گویشگر را به چند زبان محدود کنند و درنهایت فقط به تبلیغ و گسترش یک زبان، یعنی زبان انگلیسی پردازند تا همه مردم دنیا فقط به انگلیسی بگویند و بشنوند و بیندیشند.

آیت‌الله خامنه‌ای سال‌ها قبل در طی سخنانی به تشریح نقش استعمارگران در نابودی مؤلفه‌های هویتی جوامع و از جمله زبان و فرهنگ آن‌ها پرداخته‌اند و برای تقریب ذهنی مخاطب، دو نمونه عینی از عملکرد صاحبان سلطه را در هند و ترکیه ارائه دادند که منجر به نابودی زبان ملی، خط و آثار فرهنگی و هویتی این دو کشور متمدن شد:

«هر گاه یک صاحب سلطه با یک مجموعه انسانی روبه‌رو می‌شود، برای اینکه بتواند آن‌ها را در مشت بگیرد، کار ابتدایی و مقدماتی‌اش این است که آن‌ها را از انگیزه‌هایی که به ضرر نیروی سلطه‌گر است، خالی کند؛ یعنی از درون، یک دگردیسی در آن‌ها به وجود آورد و با دید خودش در مجموعه وجود و هویت آن‌ها شُست‌وشویی ایجاد کند؛ بنابراین تهی کردن انسان از مقومات هویت - یا هویت ملی و اعتقادی و دینی یا تعصبات گوناگون که افراد دارند - یکی از کارهای اساسی است که مربوط به امروز هم نیست و از دوره‌ای که استعمار به وجود آمده، به شکل سازمان‌یافته وجود داشته است. قرآن درباره فرعون می‌گوید: «فَاسْتَخَفَّ قَوْمَهُ فَاطَاعُوهُ»؛<sup>۲</sup> آن‌ها را خفیف و سبک کرد؛ بنابراین از او

<sup>۱</sup> روزنامه جام جم، ۱۴۰۳/۱۲/۱۱، شماره ۶۹۹۴، مصاحبه با دکتر محمدجعفر جعفرزاده.

<sup>۲</sup> سوره زخرف، بخشی از آیه ۵۴.

اطاعت کردند. خفیف کرد، یعنی آن‌ها را از هویت انسانی خودشان که اراده و خواست و دید و تمایلات‌شان باشد، خالی کرد؛ به‌طوری که تمایلات آن‌ها در جهت تمایلات فرعون قرار گرفت؛ یعنی مطیع و دنباله‌رو او شدند؛ بنابراین، این جزو چیزهای سرشتی در ارتباط انسان‌ها و نظام سلطه جهانی است که از دوران قدیم هم بوده؛ منتها در دوران استعمار، این کار سازمان‌یافته شد. در هر کشوری وارد شدند، با خط و زبان آن کشور و با عقاید مردم و شاخص‌های هویت ملی آن‌ها مبارزه کردند؛ ولو مبارزه آرام و بی‌سروصدا. مثلاً انگلیسی‌ها در هند زبان خودشان را آوردند و زبان فارسی را که در آنجا زبان رایج و زبان حکومتی بود، بکلی از بین بردند.

این قضیه در شکل استعمار مستقیم بود، اما در شکل استعمار غیرمستقیم، در ترکیه، زبان فارسی‌زبان دیوانی ترکیه بوده و تقریباً تا آخر دوران عثمانی [در آنجا] رواج داشته است؛ ولی جدیدی‌ها که آمدند، نه فقط زبان فارسی را بکلی از بین بردند، بلکه خط عربی را هم که خط ترکیه بود، از بین بردند» (خامنه‌ای، بیانات: ۱۳۸۲/۲/۸).

### تلاش آمریکا و اسرائیل با هدف تضعیف و تخریب زبان فارسی

سخنان دانش‌مدارانه و منطقی آیت‌الله خامنه‌ای که مستند به عملکرد تاریخی استعمارگران است، به‌خوبی نشان می‌دهد که قدرت‌های زورگو، فقط به فکر افزایش منافع مادی و گسترش فرهنگ سخیف خود در جهان هستند و برای حفظ آن‌ها، هویت، زبان، فرهنگ و منابع مادی کشورهای دیگر را به سرعت از سر راه برداشته و نابود می‌کنند.

آمریکایی‌ها در خصوص شناخت فرهنگ و هویت سایر کشورها به‌ویژه کشور ایران، هم در عمل اقدام‌های مخربانه فراوان، حتی قبل از انقلاب و طبیعتاً تا زمانه حاضر، داشته و دارند \_ که آثار و نتایج آن پنهان کردنی نیست \_ و هم از راه علمی و پژوهشی گام‌های بلندی برداشته‌اند تا به درک بهتر و واضح‌تری از فرهنگ و تمدن ایرانی دست یابند.

«از قرون هفدهم و هجدهم شرق‌شناسان متوجه اهمیت زبان فارسی شده‌اند ... و هر چه به سال‌های آخر قرن بیستم نزدیک شدیم، مطالعات در زمینه‌های مختلف فرهنگ ایران و ایرانی گسترش بیشتری پیدا کرد.

امروزه در زمینه ایران‌شناسی کشور آمریکا شاید در صدر بسیاری از کشورهای دیگر قرار بگیرد ... در انگلیس، فرانسه، آلمان و برخی کشورهای اروپایی نیز فعالیت در این زمینه گسترده است، اما از آنجا که ایالات متحده سرزمین وسیع‌تری است و در آن هر ایالت را باید کشوری مستقل به شمار آورد، مسلماً تعداد بیشتری دانشگاه و مراکز ایران‌شناسی دارند.

در حال حاضر در دانشگاه‌های مهم آمریکا مثل دانشگاه برکلی ...، دانشگاه یو، سی، ال، آرژونا و ده‌ها پردیس دیگر، نه تنها زبان فارسی، بلکه تاریخ ایران، هنرهای پیش از اسلام و دوره اسلامی و بسیاری زمینه‌های دیگر فرهنگی، اجتماعی، هنری و تاریخی ایران تدریس می‌شود.

تحت همین شرایط که دولت‌های ایران و آمریکا به یکدیگر دندان نیش نشان می‌دهند، بخش‌های ایران‌شناسی دانشگاه‌های آمریکا و اروپا ... به‌طور منظم و مرتب در حال گسترش هستند.<sup>۱</sup>

رژیم اشغالگر قدس نیز که در تصاحب سرزمین‌های اسلامی، از جمله فلسطین، لبنان و سوریه و نیز تخریب فرهنگ و هویت آن‌ها از هیچ کوششی فروگذار نیست، در رویارویی با تمدن و هنر و فرهنگ ایرانیان هم سال‌هاست که با نقشه و برنامه اقدام‌های مخربانه‌ای را در دستور کار دارد که یک نمونه بسیار کوچکش، فعالیت‌های خانم «برندا شیفر» است. ایشان آمریکایی است، در اسرائیل درس خوانده و مدرک دکترایش را از دانشگاه تل‌آویو گرفته، اما در کشور آذربایجان مستقر است یا به‌طور دائم به آنجا سفر می‌کند. وی مدت‌هاست که بر روی فرهنگ، تمدن و زبان فارسی متمرکز شده، مطالعه و پژوهش می‌کند. این مدافع یهودیان صهیونیست، مقاله‌ای نوشته با عنوان «ایران فراتر از زبان فارسی». در این مقاله، ضمن تاختن بر زبان فارسی و تلاش برای تضعیف آن، به تقویت و برجسته-

<sup>۱</sup> مرکز بین‌المللی مطالعات صلح (peace – ipsc.org/ifa)، ۱۳۹۵/۱۰/۱۹، مصاحبه با دکتر کورش انگالی.

سازی زبان‌ها و گویش‌های محلی در ایران پرداخته و به دولتمردان آمریکایی توصیه می‌کند که پیام‌هایی را که برای ایرانیان ارسال می‌کنند، فقط به زبان فارسی ارسال نکنند!<sup>۱</sup> از همین سفارش، جدای از آن تلاش‌ها، می‌توان حدیث مفصل خواند که دشمن صهیونیستی چه نیت پلیدی در سر دارد: تجزیه و چند تکه کردن کشور. چرا؟ چون می‌دانیم که پایه تجزیه جغرافیایی، تجزیه زبانی است. کار تجربه‌شده‌ای که در جدایی بحرین و منطقه قفقاز از ایران، بنگلادش از پاکستان و چندپاره شدن یوگسلاوی به کشورهای صربستان، کروات و بوسنی و هرزگوین امتحانش را به‌خوبی پس داد، چرا در ایران عملیاتی نشود؟ همان‌گونه که زبان فارسی را با سابقه‌ای هشت‌صدساله در شبه‌قاره هند در قدم اول تضعیف کرده، در قدم دوم زبان اردو را تقویت کردند و سپس رسماً زبان انگلیسی را به جایش نشانند، در ایران اسلامی نیز به دنبال اجرای همان نقشه قدیمی و نخ‌نما شده، اما دارای ارزش پیاده‌سازی، هستند.

با توجه به اینکه دستاوردهای علمی مراکز پژوهشی و دانشگاهی آمریکا و رژیم صهیونیستی در اختیار بخش‌های امنیتی، جاسوسی و نظامی‌شان قرار می‌گیرد، کاملاً می‌توان به‌درستی حدس زد و دانست که این رهاوردهای فکری شیطانی چگونه زندانه، به روش‌های دانشمداران در کشورهای زیر سلطه و متخاصم آمریکا و رژیم اشغالگر قدس عملیاتی می‌شوند و تار و پود فرهنگ و تمدن آن‌ها را از هم گسیخته و منهدم می‌سازند.

### بی‌اثر شدن توطئه دشمنان، با تدابیر رهبری

با شناخت ابعاد توطئه‌های فرهنگی و زبانی که دشمنان برای ایران اسلامی در نظر گرفته‌اند، زبان را مایه حیات کشور می‌دانند و با استنباط پیوند محکم آن با فرهنگ، حراست از زبان فارسی را به مردم و مسئولان توصیه می‌کنند:

«این زبانی که من و شما داریم الآن به این آسانی، به این راحتی، به‌وسیله آن با هم حرف می‌زنیم، افکارمان را تبادل می‌کنیم، مایه حیات ماست. این را اگر از دست ما گرفتند، فرهنگ ما خواهد مُرد، حیات فرهنگی یک ملت از بین خواهد رفت. این نکته، آن

<sup>۱</sup> News.hozehonari.ir، ۱۴۰۲/۴/۳۰، سلسله نشست‌های «زبان‌شناخت»، سخنرانی آقای اکبر بابایی، مدیر مؤسسه مطالعات ملی.

نکته اساسی است که باید بارها و بارها تکرار بشود، نه برای عامه مردم، بلکه برای مسئولان، مسئولان بخش‌های ادبیات و زبان» (خامنه‌ای، بیانات: ۱۳۶۷/۰۳/۲۵).

آیت‌الله خامنه‌ای در گام تکمیلی، درباره گره‌خوردگی زبان فارسی با استقلال کشور سخن گفته و به تأکید توصیه می‌فرماید که برای این امر بخصوص، باید فعالیت و کار کرد:

«امروز زبان فارسی از جهت ناشناخته ماندن اهمیتش از دید همه مسئولین و افراد در قبال کارهای دیگری که انجام می‌شود، خیلی مظلوم و غریب است. بایستی این مظلومیت برطرف بشود و زبان فارسی و جایگاه آن و ارزش و اهمیتش در استقلال ملی و انقلاب ما و به اصطلاح گسترش ایده‌ها و ارزش‌های مورد قبول ما دانسته بشود. [بنابراین] کار لازم دارد؛ باید کار بشود» (خامنه‌ای، بیانات: ۱۳۶۵/۱۲/۲۵).

بدین ترتیب، درمی‌یابیم که به موازات توطئه‌چینی‌های دشمنان انقلاب اسلامی برای هضم مؤلفه‌های فرهنگی و هویتی ملت ایران، رهبر اندیشه بیان و ژرف‌نگر و فرهنگ-شناس انقلاب اسلامی، راه‌حل‌های برون‌رفت از بحران‌آفرینی‌های دشمنان را شناخته و یادآوری‌های سودمند را به مردم و مسئولان ارائه کرده‌اند.

### نتیجه‌گیری

آثار علمی، زبان، فرهنگ، ادب، سنت، گفتار و کردار، هنر، سرزمین و بسیاری از مؤلفه‌های پیدا و پنهان که در چشم یک ملت و برای یک کشور ارزشمند و مایه حیات مادی و معنوی‌شان هستند، هویت آن‌ها را شکل می‌دهند. استعمارگران و قدرت‌های جهانی دریافته‌اند که اگر بخواهند بر ملت و کشوری مسلط شوند، ابتدا باید مؤلفه‌های مقوم هویتی آنان را در چشم‌شان کم‌رنگ، مخدوش و حتی مخرب جلوه دهند. در این صورت، می‌توانند امیدوار به همراهی مردم آن کشور با اهداف خود باشند. یکی از مؤلفه‌های اساسی هویت مردم ایران، زبان فارسی است. دشمنان ملت ایران در طول تاریخ و به‌ویژه در دوران حکومت پهلوی تلاش کردند که خط و زبان فارسی را تضعیف کرده و حتی تغییر دهند. پس از انقلاب اسلامی، این خط تخریب به رسانه‌های دشمن در بیرون مرزها سپرده شد، اما نظام جمهوری اسلامی به موازات تربیت و رشد دینی مردم، همواره به

پاسداری از زبان ملی ایرانیان که زبان فارسی است، مبادرت ورزیده و رهبر دانش‌ورز انقلاب، خود یکی از حافظان زبان فارسی است که ضمن پاسداشت این گوهر درخشان، ناظر بر تقویت و گسترش آن در داخل و خارج از کشور هستند.

مهم‌ترین دستاورد هویت ملی ایرانیان، حفظ هسته مرکزی هویت و جذب اقوام و حتی ملت‌هایی با مذاهب کاملاً بیگانه به فرهنگ و سنن و هویت ایرانی \_ اسلامی است که به‌عنوان نمونه، می‌توانیم از اقوام ترک‌تبار ماوراءالنهر (غزنویان، سلجوقیان و خوارزمشاهیان) و نیز مغولان نام ببریم که با آنکه برای سده‌های طولانی بر ایران حکومت کردند، نه تنها فرهنگ و هویت ایرانی را نتوانستند کنترل و نابود کنند، بلکه در این فرهنگ حل شدند و در برخی از مسائل، دستاوردهای فرهنگی نیز به جای گذاشتند.

نکته ارزشمند دستاورد زبان ملی ایرانیان نیز حفظ وحدت و یکپارچگی کشور است. بسیاری از نخبگانی که در ایران زیسته‌اند و زبان مادری‌شان، زبان فارسی نبوده است، از آنجا که از بُن دندان زبان فارسی را زبان ملی ایران می‌دانسته‌اند، بهترین و بیشترین پژوهش‌های علمی خود را به زبان فارسی نوشته و منتشر کرده‌اند، نه به زبان مادری یا قومی خود که اگر بخواهیم از بین اقوام مختلف که بدین کار شایسته تن داده‌اند، یک نمونه را بیان کنیم، باید بگوییم که محققان ترک‌زبان بهترین نمونه هستند.

دستاورد علمی این مقاله، یادآوری پایداری در برابر هجمه‌های فرهنگی و زبانی قدرت‌های استعمارگر است. زبان فارسی که زبان ملی کشور ایران است، این قدرت را دارد که بین تمام اقوام ایرانی وحدت‌آفرینی کند؛ بنابراین سپر محکمی در رویارویی با حمله فرهنگی دشمنان است و از سوی دیگر با توجه به غنای درونی و نیز برخورداری از عناصر قوی که در هویت ملی ایرانیان است، حتی می‌تواند به‌عنوان زبان علمی در دنیا شناخته شود؛ بنابراین، رهبر معظم انقلاب اسلامی به پشتوانه همین عوامل واقعی و زمینه‌های تاریخی است که به‌صراحت و قاطعیت اعلام می‌کنند که در طی نیم قرن آینده، زبان فارسی‌زبان علمی در جهان رو به توسعه خواهد بود.

## فهرست منابع:

- افروغ، عماد (۱۳۸۰)، هویت ایرانی و حقوق فرهنگی، تهران، انتشارات سوره مهر، چاپ اول.
- اقبال لاهوری، محمد (۱۳۸۸)، دیوان شعر اقبال لاهوری به تصحیح محمد بقایی (ماکان).
- انگالی، کوروش (۱۳۹۵)، مصاحبه، peace - ipsc. Orglfa (مرکز بین‌المللی مطالعات صلح).
- بابایی، اکبر (۱۴۰۲). news. hozehonari.ir. سلسله نشست‌های «زبان‌شناخت».
- بقایی (ماکان)، محمد (۱۳۹۴)، نگرش‌های ایرانی، تهران، انتشارات رسانش نوین، چاپ اول.
- جعفرزاده، محمدجعفر، مصاحبه، روزنامه جام جم، ۱۴۰۳/۱۲/۱۱، شماره ۶۹۹۴.
- خامنه‌ای، سید علی (۱۳۶۸-۱۴۰۴). بیانات از سال‌های ۱۳۶۸ الی ۱۴۰۴.
- دهخدا، علی‌اکبر (۱۳۶۲)، لغتنامه، تهران، مؤسسه لغتنامه.
- رهبر، عباسعلی (۱۴۰۲)، درآمدی بر هویت ملی در اندیشه حضرت آیت‌الله‌العظمی خامنه‌ای (مدّ ظلّه‌العالی)، تهران، انتشارات انقلاب اسلامی، چاپ اول.
- ستاری، جلال (۱۳۸۰)، هویت ملی و هویت فرهنگی، تهران، نشر مرکز، چاپ اول.
- مقیسه، محمدحسن (۱۳۹۶)، افکار پنهان ایرانیان، تهران، انتشارات ترفند، چاپ اول.
- مقیسه، محمدحسن (۱۴۰۱)، امین زبان و ادب پارسی، تهران، انتشارات انقلاب اسلامی، چاپ سوم.
- نراقی، حسن (۱۴۰۲)، چکیده تاریخ ایران، تهران، نشر اختران، چاپ نوزدهم.
- نیر نوری، حمید (۱۳۷۹)، سهم ایران در تمدن جهان، تهران، انتشارات توس، چاپ اول.
- هنری، بمفورد، پارکز (۱۳۹۱)، خدایان و آدمیان، ترجمه دکتر محمد بقایی (ماکان)، تهران، انتشارات قصیده، چاپ دوم.